بررسی و توضیح جایگاه موقوفات امام علی(ع)

عقت خوشنویسی/کارشناس ارشد دانشگاه معمار قرآن و عترت اصفهان

اصغر منظیر القائم/دانشگاه اصفهان

چکیده

وقف، گردب، به معنا «حفاظ اصل مال و استفاده از منافع آن برای تأمین نیاز‌های دیگران» است. یکی از روشهای پیشنهادی جوامع برای کمک به مردم، به ویژه افتخار آسیب‌پذیر جامعه انسان است. این کار انسان دوسته‌نامه در جوامع انسانی از دیرباز، به شکل‌های گوناگون وجود داشته‌اند. اما با ظهور اسلام، با راهنمایی‌های قرآنی و قوانین رسول خدا به‌خوبی در قانون مسلمانان جای گرفتند. با مطالعه منابع تاریخی و کتب معتبر احیای و تجویز راهکار صحیح و کارآمد و مفید در کلام و سیره عملی به‌شکل زیادی از موانع مسلمانان است. به ویژه مواقف مشابه وی نظریه امام علی(ع) پی‌مرنگ

حضورت علی(ع)، در طول عمر ابوبکر خوشنویس، بخصوص در مدت 25 سال سوکت ایرانی به حضرت علی(ع) ایجاد نقش‌بردار و ایجاد مزارع و کشاورزان متعهد مشغول بودند و سپس تمامی این اموال و دارایی‌ها را به برکت پرتوخود به ایجاد کردند. وقف نیازمندان نمودند. این دو فرصت محترم که از آن‌ها مانند ملاقات در سوکت اینجا به‌خوبی باید لنعیمی که از آن‌ها به‌خوبی استفاده کنیم.

ماهیت خانواده کارگاه‌هایی بودند. جزئی ناشناخته بر اساس اسناد موجود بود. در طول کلی مؤلفات آن‌ها وقف شمار وقف بیش از 1000 (بای 170) حلقه جهان در منطقه بنیت و جمع‌آوری و چندین هزار بیمار دیگر در منطقه کارگاه‌گونگون، به ویژه در شهر می‌توان اطراف آن، وقف نخست‌الاکثر و کشاورزان متعهد، وقف حضرت علی(ع) خانه و وقف بوده است. وقف حضرت علی(ع) بوده است. وقف حضرت علی(ع) بوده است. وقف حضرت علی(ع) بوده است. وقف حضرت علی(ع) بوده است.
مقامه

در بیان معنا و مفهوم وارزه وقف و موقوفات تعارف متعددی در کتب فقهی آورده شده است که برای نمونه، به جنب نمونه اشاره می‌شود:

1. شهید اول (شیخ شمس‌الدین محسن) درباره این وارزه می‌نویسد: تحقیق العین و تسبیل المناعف؛ وقف حبس مال و استفاده از منافع آن است. (شهید اول ۱۳۸۸، ج. ۱، ص. ۱۸)

2. امام حسینی (وقف) را چنین معنا نموده است: حبس کردن اصل مال و استفاده از منافع آن (موسی خمینی، ۱۴۰۰، ج. ۳، ص. ۶۴)

3. در قانون مدنی، ذیل تعريف وقف آمده است: عین حبس و منافع آن تسبیل شود. (قانون اساسی، ۱۳۸۳، ص. ۵۷)

در نتیجه، بايد بگويم: وقف عبارت است از حبس کردن مالک یا مالی از هرگونه تصرف در اصل، و مشخص کردن اینکه منافع آن در جه راهی صرف شود. در تعريف موقوفات آمده است: تمام اموال و دارایي های است که واقف آنها را وقف می‌کند. در واقع، رکن اصل وقف همین موقوفات است و به سیب و وجود همین موقوفات است که وقف نامه تنظيم و نوشته می‌شود. (فروز، ۱۳۸۹، ص. ۳۲۱)

جرایب نوع موقوفات حضرت علی

طبق گواهی تاريخی و استاد و مدارک موجود، حضرت علی (ع) بیش از همه موقوفات داشتند، هم در میان افراد زمان خود و هم در میان سایر اثاته معصوم: بیش از ورود به بحث اصیل، لازم است درباره جرایب موقوفات آن حضرت تکانی را متذکر شویم: اینکه جراح حضرت علی (ع) به این نوع موقوفات روی اوردهد؛ آیا نیاز جامعه آن زمان اقتضا می‌کرده یا دلایل دیگری داشته است؟ حضرت علی (ع) گرچه در سنت گفتاری خود، همی فعالیت‌های مفید اقتصادی اعم از صنعت، تجارت، خدمات و کشاورزی را تشویق کرده، (محسنی ری‌شهری، ۱۴۳۰، ج. ۲، ص. ۱۷۲) اما شخصاً فعالیت کشاورزی را برگذیدند.

برای این انتخاب، دست کم سه علت می‌توان ذکر کرد:
اول، شرایط محتوای اقتصادی می‌باشد. بر خلاف شرایط مکی، که با تجارت و دام پروری
سازگاری نیستند، پس همین سبب، مردم آنها بیشتر در این دو رشته به فعالیت
می پرداختند. همچنین این نشان داده بود که در بسیاری از موارد، با زراعت بیشتر
منابعی بپردازند. پناه کار چه گونه هم پس از مهاجرت به می‌باشد. به قریشیان فرمودند: "ای جمعیت
فربش، شما دام پروری را بیشتر دوست دارید؟ از آن بکاهید. شما آنکنون در سرزمین قرار
گرفته‌اید که باید کمتری دارد، پس زراعت کنید؛ زیرا زراعت مالیه برکت است، و در آن از ابزار
شحم زیاد استفاده کنید." (بیفی، 1424، ج) ۲۳۹

دوم. تفسیری زیرسایی کشاورزی و باغداری و احداث خلقتها در توسعه اقتصادی آن
زمان: در حدلش از امام صادق ۲۳۹ نقل شده است که فرمودند: "مردم نزد علی - ۲۳۹ کسی‌ای
از هسته خرمای دید و یاد برد: یا علی اینهمه هسته خرمای را به چه منظور جمع کردند؟
حضور وقت دادند: همین این ها انشاء الله دوخت خرما خواهد شد. روا می‌گوید: که امین آن
هسته‌ها را کاشتند و تخلیه‌ای ایجاد کردند و سپس آن را بر فرا و برین سپهر و قسمت الله وقف نمودند.
(آکوینی، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۵۴۳ / حیر عامل، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۳۰۲ / مجلی، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۲۹ / نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۵۱۲) (۲۳۹)

سوم. سازگاری آن با قاعده و رفتار آن حضرت؛ ظاهراً تردیدی در این وجود ندارد که فعالیت
کشاورزی با وجود فاقدی زیاد اجتماعی آن، به ویژه فرآیند نمود نیازهای حیاتی اقشار کم درآمد،
از نظر اقتصادی دارای سود اوری کمتر و از نظر انتخابات اجتماعی و عرفی دارای مرتب کمتر و
به همین سبب، کار بازمی‌گردد، ولی در غیر حال، پر خبر و برکت به شمار می‌آید. از
این رو، انتخاب بهتر فعالیت‌هایی را آن حضرت کاملاً طبق قاعده‌ی بود امام باقر ۲۳۹ در این زمینه
فرمودند: "حضرت علی خیره‌نامه‌ی این دو کاری که در مریخ در مریخ دو مریخ در مریخ با تأمین
می‌گیرد که تحمیل آن دشوارتر بود، "(بیفی، ریشه، ۱۴۰۱، ج ۸، ص ۲۲۲) (۲۳۹)

موفقیت‌های اقتصادی امام علی ۲۳۹ نشان می‌دهد که ایشان در کار تولید، از دانش و مهارت
پیلا بی‌پروردار بودند. ایشان با یک بررسی مخصوص، وجود منابع عظیم آب در متون و مکان‌های گوناگون را
یه درستی تشخیص دادند و در مدت نسبتاً کوتاه قرب صدا حلقه‌های جهان امیده و مناطق دیگر
حرف کردند.
اهمیت حفر چاه در عربستان

عربستان از مناطق کم باران جهان است و بیابانها و گوهرهای گسترده‌ای دارد که در بیشتر فصل‌های سال، آب‌های گرم و سوران بران می‌تابد و شرایط زیست‌گاه‌های حیوانات و آمیان را دشوار می‌سازد. در سراسر مراکز از این قبیل استخراج آب‌های زیرزمینی از طریق حفر چاه، احداث چشمه و نقشه مناسب برای بارز به دست آوردن آب است، و می‌توان گفت، در این‌گونه اقلیم‌ها، چاه به مهم‌ترین در رفع مشکلات اقتصادی و مالی است. از این رو، ساکنان عربستان به خوبی به تأثیر مهمی که جهان می‌تواند در زندگی آنان داشته باشد، بروده‌های آنان برای ادامه زندگی از آپچ چاه استفاده می‌کنند و اطراف چاه‌ها را برای سکونت جواد و گردیدن و گاه برای تصرف و تُمکن چاه‌ها، جنگ‌های خونینی به راه می‌اندازند.

چاه‌ها به اندازه‌ای برای آنان اهمیت داشت که بسیاری از مسائل فرهنگی آنان به چاه‌ها به چنین مرتب بوده، برای نمونه، آنان بسیاری از چاه‌ها را به اساسی قبیله‌ها، مکان‌ها و اشخاص نام‌گذاری می‌کردند.

در آن روزگار، عرب جند مشکل اساسی درباره چاه‌ها داشت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بود از:

1. نداشتن ابزار مناسب برای حفر چاه و آشنا بودن با شیوه‌های کندن آن;
2. فقدان قانونی که با آن بتوان مسائل حقوقی چاه‌ها را مشخص کرد، یکی از علل جنگ‌های خونینی که گاه بر سر تصرف چاه‌ها به راه می‌افتد به همین نکته بازمی‌گردد.
3. رعایت نکردن مسائل بهداشتی.

پس از ظهور اسلام، مشکلات یاد شده به میزان گستردگی‌های حل شد. اما مهم‌ترین مشکل، عنی کم‌بود جاهایی که منابع آب بیابانی برای جمعی اسلامی بلافاصله می‌توانست ساده و حفر چاه‌های به‌طور مغناطیسی به آبی رسیده و نیاز موردی را بپردازد و سازند. در زمینه اعمال شناور به شمارشی رفت. برای حل این مشکل، به مردان پولیدین نیاز بود که با خاک‌هایی بگذراند و با عزم‌الرضا و همکاری واقعی خشک کنند و با بیروت آورده‌اند. به زمین‌های واسطه و کم‌پرسته‌های آن‌ها، حیوانات و گیاهان را سرپرست می‌کنند. امیرالحفاظین حضور علی از جمله این مردان بزرگ، که پیوسته به صنف‌های خود به منظور رفع نیازهای آن‌ها بودند.
انگیزه‌های حضرت علی ع. از حفر چاه

از بررسی تاریخ و روایات، نتیجه‌گیری می‌شود که حضرت علی ع. انگیزه‌های ذیل را از حفر چاه دنبال می‌کردند:

1. سرسیزی و خرمنی زمین؛ گیاه زمین با به نشانات می‌آورد و بدان خرمنی و حیات می‌بخشید. بر
پایه روایات متعدد، حضرت علی ع. به کاشت درختان علافه‌ای وافر دانستند و می‌فروندند: «للذات
یه‌دهی غر قلب یحیی؛ اسماء و الحضراء والوجه الحسن» به همراه سبیل محسوب را می‌زادند: آب،
سیبز و ترهب زیبا (حس عاملی، ۱۴۱۹، ج.۱۲، ص.۲۲-۲۶ / صدوق، ۱۳۹۲، ص.۹۲)

2. تأمین هزینه زندگی و امارات معاش؛ این کار در منطق اله بیت جنبه عبادی داشت. حضرت
علی ع. می‌فرمایند: «الکاذب علی علیه السلام جالب‌الجدیدی فی سبیل الله» کسی که برای تأمین نیازهای
خانواده‌اش خود را به زحمت بیندازد، اجر مجاهر در راه خدا را دارد (مجلی، ۱۳۱۳، ج.۲۱، ص.۳۲)
در آمد برای تأمین نیازهای نیازمندان علامه مجلی نقل کرده است که دو آمیزه آن
حضرت جهیل هزار دینار بود و همه را صدفه می‌داد و شمشیر خود را نیز فروختند و فروموند:
«اگر غذای شب داشتم آن را نمی‌فرختم» (کتابی، ۱۳۱۲، ج.۸، ص.۸۸)

3. حفر چاه برای حجاج بیست و شیعه الحرام؛ این چاه‌ها در مسیر حجاجان حفر شده‌اند به مخاط داعم، میراث مصرف از آب این چاه‌ها استفاده کنید. با توجه به مسافت طولانی بین مکه
و مدینه و کم میانی و آب در این مسیر، این چاه‌ها در آستان کردن مسافر به سمت مکه نقص
مهمی داشته‌اند.

4. پیامدهای و اقتصاد جامعه دارد، و جواد آب، آبادانی و امینی در مسیر سفر تأثیر زیبا در انجام
این مسافرانتان داشته است.

5. نهایی آب یا نوشیدن مردم و ظرفیت نمازگزاران و زیارت کنندگان؛ جاهایی که نزدیک‌
مسجد قبر و مسجد جامع بصره و خرمس بسیار حضرت حمزة سید شهید‌ها در این حفر گردیده
برای این منظور بوده است. بر پایه برخی روایات، بیماری شدید در آخرین سخنرانی خود، تکنیک
مهمی در این‌باره فروموند: «هکس که جهاد آب حفر کند و آن جهاد به آب بررسد و آب آن را در
اختیار مسلمانان قرار دهد ...» مانند آنکه از آن آب وضو یا پیگیری و با آن وضو نماس بخوانند ...
خداوند به یو پاداش بسیار خواهد داد و نیز به اندازه‌ای موهی بنده آدمیان، حیوانات درنده و اهل و پرندگانی که از آن می‌نوشتند. به یو پاداش عظیمی عطا خواهد کرد و روز قیامت بر حوض بیامبر خدا وارد خواهد شد." (مجلی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۳۷۱)

۷. تهیه آب در میقات برا ی استفاده و انجام وظایف میقات: مثل نمازها و غسل‌ها وارد شده در این مکان.

۸. بی‌خاطراتی پاکتی الیالهات: وقت در راه خدا و کمک به نیازمندان: (کلنی، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۴۹)

۹. برداخت یابه‌ی دیگران: در وصیت نامه‌ی حضرت رسول ﷺ آمده است که آن برگزاری، دادن بدهی خود را به عیده حضرت علی ﷺ گناشتند و ایشان نیز دین آن حضرت را ادا کرند.

(این ماه‌های، اب، ۱۴۰۲، ج ۵، ص ۷۵)

۱۰. آزاد کردن برگدان: به طور منعطف‌تر نقل شده است که حضرت علی ﷺ بیل می‌زندند و زمین آباد می‌کردنده و از این راه، هزار برد یا از مال خود آزاد ساختن. (کلنی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۴۴)

موافقان حضرت علی

بر اساس شواهد تاریخی، حضرت علی ﷺ در ساکنان پایان عمر بی‌دردگاه، تمامی اموال و دارایی‌های خود را به راه خدا و کمک به قرآ و نیازمندان وقت نمودند که این اموال علاوه بر چاه‌ها و جنگل‌ها و خلیج‌ها و غیره‌ی که حضرت به دست درون خویش حضرت و اهداث تمدید، اماک و خانه‌ها و مساجد متعددی را هم شامل می‌گردیند که البته در وقیف‌نامه‌های متعددی که از حضرت به بای مانده، اساسی موافقان ایشان ذکر شده است. برای مثال، حضرت در وقیف‌نامه‌ای، خانه‌ای در محله پنی زرین و رفک خانه‌ها خود نمودند و نیز آن حضرت متن وقیف‌نامه‌ای ای بی‌پرداز را روان هنگام که آب از آن جویده، با درخواست قلم و کاغذ، به دست مبارك خود نگاشتند، و در آخرین وقیف‌نامه‌ای که حضرت به دست درون خویش نوشته، اساسی تعادل‌ای از موافقان خود را نام بردن که توضیح آن در ادامه ذکر خواهد شد.

قابل ذکر است که موافقان حضرت علی ﷺ شامل چاها، جنگل‌ها، خلیج‌ها و مزارع، املاک و خانه‌ها، مساجد است که به صورت مختصر معرفی خواهد گردید. در ذیل، این‌ها موافقان آن حضرت، که نام آنها در وقیف‌نامه‌ای ایشان آمدی است، ذکر خواهد شد و سپس سایر موافقان ایشان بر اساس استاد و مدارک موجود، بررسی خواهد شد.
1. جاها، جشمها، نخلستانها ومزارع
الف. بنين: نام منطقه‌ای است در 165 کیلومتری غرب مدينه. شهري بین مکه ومدينه از بلاد
بنی حمزة در ساحل دریای سرخ و آن را به سيب جشمها قرار داده. به نام خوادند. (نبوت
حموي، 1339، ج1، ص58) بنين قلعه‌ای است که در آن آب روان و مزرعة پسیار وجود داشته و از
فضاء بر درخت و نخلستانها و آبهای گواراه آن استفاده می‌कردند. اکنون بندر برگی است و نه
منزل از مدينه به طرف مکه، فاصله‌دار. این منطقه به درازا بودن آب زیرزمینی پسیار و کم‌
خوب برای زراعت درختن باران در و کار و باع‌داری مصرف
بوده است. اين شهري بنيه تعداد جاهاي امیرالمؤمنين نداشته، را در مین بايگم بenchmark دكتر نمونه
است. (ابن شهرآشوب، 1404، ج2، ص123) اليمه به برخی تعداد جشمهاي آن را پناه
کرده‌اند. (مجلسي، 1402، ج1، ص22)

عدد عالی‌ترين اقتصادی امام علي می‌تواند طی 25 سال خانه‌نشینی ایشان در منطقه بنین به وقوع
پیوسته است. بنی در وقایت امام علي می‌تواند این منطقه تحت اختیار اولاد امام حسن و قرار گرفت. نام
بنین در کتب تاریخ سیر و جغرافيا با نام امام علي می‌تواند عجیب شده است. از برخی شواهد تاریخی
بررسی یکدک نام بنین را امام بر این منطقه نهادند. (ابن شهرآشوب، ج3، ص132)
امام صادق می‌فرماشد: از زمان که رسول خدا را تقدیم کرده، زمینی هم
نصب و درگیری ایشان در این زمین، جاهی حفر کرده داشته که آب از درون آن مانند جوشیدن
خون از گردان شری مگونید و به همین مناسبت، نام بنین را به معنای جوشیدن آب از زمین -
بر آن نهادند. (کلینی، 1401، ج1، ص7، ص42)
درباره جگتنی سلطان امام علي بر این منطقه، روايات متعددی رسیده است. این شرح
می‌گوید: هنگامى که رسول خدا بنین را اگر فنده، آن را به کلاه از مالک جهت اقتصاد نمودند، کلاه
گفت: با رسول الله، من در حال بی‌همتی، آن را به برادرزاده‌ام به اقتصاد دهد. پیامبر به اقتصاد به

1. اقتصاد/ القطاعات اراضي مالک علوی است که دولت آنها را در بر تولید مالیات معمول، برای استهلال در اختیار
می‌دهد. ولی مالکیت آن برای دولت باقی است. اما در اینجا، منظور مطلق و تولیدی
است. (بیانیه فرهنگ لغت و اصطلاحات وقف، سید جلال محمدخوانساری، قم، انتشارات اداره کل حکم
و اوقاف و امور خیریه، 1393)
او دادنده. پس از آن، عبدالرحمن بن سعد بن زرارة انصاری آن را به ۳۰ هزار درهم از او خرید و به آنجا رفت. ولی وی در آن جا با یک دوستان و خانواده یافته و بلافاصله توجه و نظر تهرانی به او رسید. در آن را نمود. به همگان بانکی در نزدیکی پنی با علی ابی طلاب و مواجه می‌گردید. امام از این پرسید: از کجا آن می‌آید؟ جواب داد: از تهران می‌آمده و از آن بیزار شده‌ام. امام سوال کردند: آیا قصد فروش آن را ندارد؟ از آن را به قبیل خرید از تو می‌خواهم. گفت: مال تو باشت، پس از آن، امام به آنجا رفتند. (ابن شیبیه. ۱۴۱۰، ج. ۱، ص. ۷۱۹)

از تاریخ شروع اقامه علی ﷺ در بنی‌اطراف و تاریخی ان این شد که این امور در اوایل دوره خلافت افندیه و نزدیکی زمان خلافت آن حضرت پناه‌نیاپند قبیل بوده است.

چشمه‌های موقوفه حضرت علی ﷺ در بنی‌عبارت بود از:

۱. البیغایات (بی‌بیغه): چشمه «بی‌بیغه» چشمه است که آب آن نزدیکی بوده. و به قولی، چشمه به معنای یک قدیم در هر یک حسن باشد. گویند: چشمه است نزدیکی «رسمه» در اطراف ملکه.

(ابن شیبیه، ۱۴۱۰، ج. ۱، ص. ۳۳۲)

و اولین چشمه‌ای که امام علی ﷺ در بنی‌عبارت کردند «بی‌بیغه» نام داشت. (مهمان، ص. ۳۸۳) این چشمه، خود مشتمل بر دو چشمه که دو گاه نام‌های خیفی، خیفی لیلی و خیفی نیستاد. (سپهسالی. ۱۴۱۰، ج. ۱، ص. ۳۷۷)

ابن شیبیه این روایت می‌نویسد: عبدالمریز بن عمران، از مسلمانان بوده. و در این‌هیات در نظر گرفته تقریباً که دواست چون آن از چشمه‌های جمیعه جوشید به علی برای پذیرش می‌داده شد. وی گفت: این پذیرش را خوشحال کند. سپس فرمود: این اشیا و فرق بر بین‌یکان، در راه مانگان و قرآ است که هر کدام نزدیکی تر باشد به‌هنه یکدیگر. (سپهسالی. ۱۴۱۰، ج. ۱، ص. ۱۵۰)

و بی‌بیغه مزرعه‌ای بود و متعلق به امام علی ﷺ که امروزه به آن «بی‌بیغه» می‌گویند. آن حضرت این منابع را وقف مسلمان‌نامه نه می‌کردند. (حاتمی. ۱۴۱۰، ج. ۱۹۶) واقعی می‌نویسد: میوه‌های بی‌بیغه در زمان علی ﷺ به هزار و وسیع و وسیع. (سپهسالی. ۱۴۱۰، ج. ۱، ص. ۴۶۳)

۱. خیف زمینی را گویند که از کوه خاکی و آر (دردهای که گذشته سیلاب است، بالاتر باشد. (همان)
۲. هر وسیع معادل ۶۰ متر است. (همان)
بی‌میلیتی‌های از چاه‌هایی است که علی‌رغم خود حفر و اراضی آنها را یادکردند و آنها آنها را وقف کردند. اینها همچنان در شمار صدقته و اوقاف ایشان بود. تنها یک گذرا که حسین بن علی‌نیاورد. عبادالله بن جعفر بن ابي‌طالب داد از محسوس‌لاین بخورد و خرج و بدهی حسومی را از محل دو آن آنده، بدن شرط گذشت. در این سببیان در

مناسفانه از سرناج ایفای موقوفه پس از آن اطلاعی در دست نیست.

۲. العین ای بی‌نیزوی: چشم معروف دیگری در تبییغ "عين ابی بنزور" نام دارد که حضرت این چشم در دو زمین زراعی امام علی بن ابی‌طالب بی‌نیزوی، به نام "عين ابی بنزور" که از برگ‌دان آزاد شد، ایشان است، نامیدیم. (سومه‌ای، ۱۲۷۱) خود آبی‌نیزوی مجاری احیای این چشم را چنین گزارش کرد که:

۱. ابی‌نیزوی از غلامان امام علی بن ابی‌طالب بود و فرزند نجاشی پادشاه حبشه بود که مسلمانان صدر اسلام به جهانه نزد او هجرت کردند. علی بن ابی‌نیزوی، در مکه نزد ناجی دیده، او خریدند و به پاس خدمتی که پدرش نجاشی به مسلمانان مهاجر کننده بود، آزاد ساختند. گویند، پس از مکه نجاشی، اوضاع حیشه آن‌ها شد و مردم آن‌ها هنگام خود را یک‌دیگر، و او در نیزدیرف و گنگ‌ها از آن‌ها خدایان وابسته که به همین بخشیدن دیگر خواهان ملک و سلطنت نیست، ابی‌نیزوی بسیار بلندقامت و زیبا و همین مردم حبیبیان بسیار است.
اندکی از آن چگونه می‌کردند و باز بر لقب جوی رفتن و دست‌های خود را با خاک و شن کامل‌ا تميز

شستند. آن‌گاه دست‌ها را مشت کردند و مشن آب از همان جوی نوشیدند و فرودند؛ ای اباینز،
کف دست‌ها پا‌پایه‌هاین فرخ‌هاست: آن‌گاه با همان تری دست، بر شکم کنندند و فرودند: هر
که با خوردن مال حرام، آتش در شکم‌خود کند از رحمت حلق به دوست است. سپس کنگر را
برداشتند و به درون جاه رفتن و مشغول کنن شدند، ولی آب بریانه‌ای، از آنجا بیرون آمدند، در
حالی که پیشانی مبارزان خس‌عرق بود. عرق از پیشانی پاک کردند و باز کلگان را برداشتند و
به درون جاه رفتن و پیوسته کلگان می‌زدند، به حسی که صداه نفس مبارزان به گوش می‌رسید.
تاگاه آب فوران کرد و مانند گردش از زمین نیور جست، امام به سرعت از جاه بیرون آمدند
و فرودند: خدا را گواهی می‌گیرم که این جشنم آب، صدقه است. کاغذ و قلم برای بیاور صن به
سرعت کاغذ و قلم آورده، حضرت نوشستند: «به نام خداوند بخشندته مهربان. این جهیزی است که
نبده خدا علی، امیر مومنان صدقه داده است. این دو جشنم به نام «عين ابی‌نیزر» و «بُغیضه» را
بر فقرای مدنیه و در رامانگان وقت نومود تا بدین وسیله، در روز قیامت جهه خود را از آن
دو رخ مصون دارم. چک حق برخ و بخشان آنها را ندارد نا آن‌گاه (یعنی قیامت) که خدا و راث
آن‌ها نود و خدا بهترین ورثن این، مگر آنکه هسن و حسن بدانه محتاج شوندکه ملک
خلاص آن‌ها خواهند بود و هیچک دیگر حقی در آن‌ها ندارد.» (کبیر، ۱:۵۳، ج.۶) ص۴۶.

چشمه‌ی ابی‌نیز تر نزدیکی بِغیضه فرار داشته است و صیغه صدقتی این دو جشنم با هم
توسط حضرت علی خوانده شده و برای ققران اهل مددیه و در رامانگان وقت شده است. از
آن‌رو که ابی‌نیز در زمین و مزارع‌های این چشمه کار می‌کرد، «چشمه‌ی ابی‌نیز» نام گرفته است;
چه اینکه در وقت نامه حضرت هم تصريح شده است که ابی‌نیز در آنجا پنجم سال کان کند و از
در آن‌ار، زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین نماید.

۳. عین‌البَعینه: این یکی می‌باشد: امول علی در چنین جشن‌های پرآگاهی است. از جمله آن‌ها

چشمه‌ای است به نام «عين البَعینه» (ابن‌شیله، ۱:۳۰، ج.۱، ص۲۳۲).

۴. عین‌نولایا: این یکی می‌باشد: از موضوعاتی علی در چنین جشن‌های عاشقی است به نام «عين نولایا»
که امروز آن را «عَدیر» می‌گویند و همان است که گفته‌اند: علی ـعلیه السلامـ یا دستان خود، در آن
کار می‌کرد. در جوار هنیم جشنم و به همین محله، مستند است که رسال خدا صلی الله علیه
والهـ در راه دیگری شده بستگانه که برای روابطی با کاروان قرض عازم آن‌ها بودند. در آن
نماز گزارندند. (همان).
برزی و توضیح جایگاه موقوفات علامی

5. العیون الحدث: ابن‌شهره می‌نویسد: برای علی است، نهیر از جشن‌های به نام «عین الحدث» در نیب (همان)

6. العیون العصیبیه: ابن‌شهره می‌نویسد: علی در نیب جشن‌های به نام "العیون" داشت که شامل باریک‌هایی از اراضی موات بود (همان)

حضرت در وقت‌نامه خود، به چاه و جشن‌های وقف شده در نیب اشارة نموده و می‌فرمایند:

جا و جشن‌هایی که در نیب داشتم و به نام من شناخته می‌شود و همچنین اراضی اطراف، همه صدق‌آمده و غلامانی که در این اراضی کار می‌کنند همه وقت هستند غیر از "رباح" و "ابن آنزگ" و "جبیر" که ایشان آزادند، کسی بر آنان حقی ندارد و آنان با ایشان که هستند و نیب سال در این جاه و مزرعه کاری می‌کنند و خرچی و روی در کسانیان از عیادات همین املاک داده شود. (۴/۵۱۱-۵۱۱ه، ۱۴۰۰، ۹ص ۱۴۶/۴۰۶/۱ژر/۱۰۰۱، ۱۳۹۰، ج ۲۲۰۱)

بر اساس روایات، میزان محصولاتی که از جشن‌های و چاه‌ها به دست می‌آمد، زیاد بود.

برای مثال، واقدی در آمده حاصل از مشهوری بر خیب و سر برهم‌آورد هستند، البته درباره ارزش جمع‌آوری املاک اطلاعات دقیق در دست نیست، اما از روایاتی که درباره عین ابی‌نیاز وارد شده تا حدی می‌توان به ارزش بالای آن‌ها پی برد، ابوهملح محسون حساب می‌گوید: زمانی امام حسن (س) به‌گزارش شد، معاوية دوست هزار دینار برای خرید عین ابی‌نیاز نزد امام فرشته و ایشان از فروش آن خودداری نموده، فرمودند: پدرم آن‌ها را صد قطع داد تا چهارده خود را از آن‌ها دوز خصوصی دارد و می‌آیند به هیچ فیتی نخوراه فرخته (مرثیه، ۱۳۸۳، ۱۳۸۱، ۴۰۸۹، ج ۲۲۰۱)

ابن‌شهره درباره سرانجام چاه‌ها و جشن‌های وقف شده در نیب می‌نویسد: از آب این جشن‌ها، شرب‌ها به‌دست خود افام است و برای مصرف اراده کارگران اوقاف آن‌ها را به ایشان داده‌اند. کسانی هم که این حق را به‌دارند دارند و در این املاک نه می‌توان نینا نلاکه در دست زنی به نام «بنت جعفر» و «بنت علی» و «بنت ابی طالب» است. (ابن‌شهره، ۱۳۱۰، ج ۲۱۰۱)

لازم به ذکر است که ابن‌شهره درباره سرانجام موقوفات حضرت دکتر کرباد مربوط به زمان حیات حضرت مؤلف بوده (۱۷۶۳-۳۶۳ه) و پس از آن در هیچ کتابی از سرانجام و عاقبت موقوفات آن حضرت، سخنی به میان نیامده است.
ب: وادي أبّرُ Dịch: أز تواجد خبير و شهر آباد است كه نخلة شاه سيراز و باه و
چشم رقواق دار. (باقورة حموى، ١٣٨٩، ج. ٤، ص. ٣٤٨)

بر أساس نماثي روايات، منطقة وادي أبّرُ دور في سال حباهي به طريقة مشاهدة خبير فتح
و تواصل و قرادة مشاهه في دست شهودان تهان تهان فتح. حضور على في دست شهودان ٢٠١٢، (٢٣٤٦) كه في وقفا شاهد به
أنها انشاء نموذان: «تُهجّ في وادي أبيدي داشهام القسم آن به اقطاع من أن فردن من است
و غلامان في اين املاء، صدقائم. (كلي، ١٣٠٩، ج. ٩، ص. ٣٦٩، طوسي، ١٣٠٠، ج. ١٤٢، (١٤١٩، شهبه، ١٤٢٠)

١. العينين الموت: اين شه مي نوشت: همّجني على دست وادي أبيدي شهمه ابي نام "موتات" داشت.
به روزگار فرمان روابي عباس بن حسن، اين جمشه در اختبار دو نام تامهای مصدر كبير (واشته
حسن بن حسن) و مردان بن عبايملک بن خارسة بود، حمزة بن حسن دریازه اين ملک به ضر
این دو اقامة دعوی كرده ب سعود حمّر حكم كردن و من تهان، اين ملک تر شمار اوقاف قرار
قرار تهفّ (ابن ميه، ١٣٠١، ج. ١٤٢، ص. ٣٥٣)

٢. العينين النافذة: يكي دیگر از اوقاف و صدقات حضرت علي(A) است كه دست وادي أبّرُ واقع شده
است. اين ملک را "العين الحسن" عم مي کونيد و در "بب" از سرزمن "بال" قرار دارد. در
روزگاران اخیر (به تقل از ابراهيم) اين ملک دست عبدالحمان بن يعقوب بن ابن ابراهيم بن
محمد بن طلحة نمي وود و حمزة بن حسن بن عبدالله بن عباس بن علي به روزگار فرمان روابي
برادر خبّاس بن حسن بر تظاهر أو اقامة دعوی كرده ومدنى وحق آن شد. في اينبار، به وضع
حماة حكم كردن و اين املاء در تهان اوقاف قرار تهفّ. (بمان، ص. ٢٢٠)

٣. وادي أبّرُ تُهجّ: "تُهجّ" نام در دهای است كه از طرف قبله به "بادي امّ" مي روبد و براخي آن را
درباره اینم دانست. (سعود، ١٣٠٣، ج. ٣، ص. ١١٦) همچنین گفت: شهابي است در حدود

١. علا (ابن وزن شما) نام جدیدتره همان وادي أبّرُ ابّر دست وادي أبّرُ بين آن و بين شم.
رسول خدا(A) در راه تفنن به تبوب، در آنها فردود ابّر و بعدها دو مكّان نمک ایشان، مسجدي ساختم شد.
(باقورة حموى، ١٣٩٩، ج. ٣، ص. ١٤٤)

٢. ايضّ، نام يک‌و‌دیگری در مدینه است و از آن روى نام خواندند شده که سی‌ها در آنها به هم می‌پوشست.
همین وادي در مدینه و از آنها به نام ایشان قنات به این نام نامیده می‌شد: (سعود، ١٣٠٣، ج. ٣، ص. ١٤٤)
مراجعات:

1. الأنسخة: ابن شهاب. م. نويسد. براي. علي. في وادي ترعه. في منطقة فدك. دردات است كه به آن. 

2. الفصيبي: نام دردات است بين مدينه و خبير و باي بان دست وادي الروم. و حواله آن. (بانو حموي.

3. ابن شهاب. م. نويسد. براي. علي. في وادي ترعه. في منطقة فدك. دردات است كه به آن. 

4. مصادر:

- براه. علي. (1411ه، ص 3، ص 3)
- براه. علي. (1415ه، ص 2، ص 1)
- براه. علي. (1412ه، ص 3، ص 2)
- براه. علي. (1414ه، ص 3، ص 3)
- براه. علي. (1417ه، ص 3، ص 4)
ابن ملك رأى ابن عميه — حبيبمان عبد الله بن جعفر — أخذ كرد، مروراً به ابنه هريرة
محصول آن به ۳۰ صاع — به صاحب قدم — بالله، يك ثلث آن صدقه فانه و پس از انفراض
بی‌عمر به موقف‌هایی بر همین حال، در دست متوکل‌ها و قفف است.

(ابن شهیب، ۱۳۱۱، ج1 ص ۲۴۵)

۱. ذنم: نام یکی از وادی های قبیله در اطراف مدینه است. (باوث حموی، ۱۳۹۹، ج1 ص ۳۲۰)
املاک و برگران آنجا صدقه‌اند، چنان که در من و قفف نامه حضرت ایگونه آمده است. (آتیه در
آذینه: داشته‌ام و نیز کسانش وقف و صدقه‌اند. (ابن شهیب، ۱۳۱۱، ج1 ص ۲۴۵) از نوع املاک.
تعداد و چگونگی و سرانجام این موقف‌های در کتب تاریخی چیزی ذکر نگردیده است.

۲. قفیر (فقرین): "قفیر" به معنای یا جالبی است که برای کار گذاشتن ناخال حفر می‌کند.
باوث حموی، ۱۳۹۹، ج1 ص ۲۴۵ "قفیر" اسم در مکانی است که علیه نزدیک‌می‌کند که آن‌ها را
"قفیرین" می‌نامند و پیامبر اکرم ﷺ به امیر المؤمنین ﷺ بخشیده‌اند (ابن شهیب، ۱۳۱۱، ج1 ص ۲۴۵). جزو
موقف‌های امام علی ﷺ است و حضرت در وقف نامه خود از آن نام برده و فرموده، قفیر – هچنان
که می‌دانند. (از آن سبب وقف در راه خداست. کلیسی، ۱۴۰۱، ج1 ص ۴۹ / طوسی، ۱۴۰۱، ج1 ص ۲۴۵)
۱۳۱۱، ج1 ص ۲۴۵)

ابن زمان حاصل خیز در عمر ما نیز معروف است و به زبان محلی "الفقیر" نامیده می‌شود.
(نجمی، ۱۳۸۰ ص ۲۳۲)

سایر موقف‌های حضرت علی ﷺ عبارت است از:
و حره‌الرجلاء (حره رجلى)، "حرة" به معنای سنگلاخ است و "حرة الرجلاء" نام سنگلاخی
است در دیار بني قين بن جسر، میان مدینه و شام. از آن روی پیدا نام خوانده شده که راه رفتان
در آن دشوار است و بايدقدم به قدم جلو رفت. در صحاح آمده است. "حرة الرجلاء" زمانی
صاحب و پر از سنگ است و راه رفتان در آن دشوار. (سسودی، ۱۳۴۳ ج1 ص ۳۸۸)

۱. ذات کمات: ابن شهیب می‌نویسد: ذات کمات چهار حاش در حره الرجلاء به نام‌های "ذوات
الشرافاء"، "میعد" و "زعوان" که مجموعاً از جمله موقع‌ها و به است. (ابن شهیب، ۱۳۱۱ ج1 ص ۲۳۲)

۱. "آذینه" مصفر "آذین" به معنی گوش است.

۱۳۹۳
2. الأحقّر: نام كوفي است بالاه قليعوان في مكة، كه في دوران جاهليته {اعرف} نام دانست.

اين شبه مي نوسيد: در قنوة الرحله ناهية شعب زيد يك وادي به نام {الاحقّر} كه يك
بخش أن موقفه است ويك بخش أن هم يا بخشان على - عليه السلام - به آل مناع از طافهة
بني على تعليم يافته است وى همّه اين ملوك در دنت أن ها بود تا انيكه حمره بن حسن يا آنها

مخصوصا كهر و ضف آن را غرفت. (اين شبه، 130، ج، ص 232)

3. البيضاء: اين شبه مي نوسيد: هم جنين في قنوة الرحله يك وادي كه به آن {البيضاء} غننه
ميشود و عثر أن تجد مزروع و جند قطعه اراضي واعتراه ووجود دانت، انيه نيز جزور موقفات
أو {هجر} است. (اين شبه، 121، ج، ص 222)

ن. فُضْلٌ: اين شبه مي نوسيد: برأى أو {عليه} في {أدبيه} في صحراي {اسلم} في أطراف مدينة
موقفات است. (اين شبه، 121، ج، ص 222)

نام اين ملوك يا اندك تفافي في عربات، در من وفق نعمة حضرت به نام {أذينة} آنها است.
از ك механизм و شخصن، اين موفق في كتب تاريخي جيزي ذكر نجرديه است.
ط. بُنُّونا: اين شبه از دیگر موقفات حضرت {عليه} في جاهلي به نام {بن بنوالمماليك} في وادي
قناة، في شمال مدینه نام برده است. (همان، ص 232، از ك механизм و شخصن، اين موفق في
كتب تاريخي جيزي ذكر نجرديه است.

1. وادي قنوة در ميدي است كه در شمال مدینه، از قشر جيران بنياكرده و تا قبور شهداء أحد انداد مي ياه. اين شبه
آن را به نام {وايدي الاحمر} معرق كره است او در ان باره مي نوسيد: هنگامه كه خمره - رحمه الله - يه شهدات
ريس، او را في ميدان مكان در پایين {جبل رصاف} كه كوهي كرچنگ در مشابه وادي احمر است، دفن كردن.

(اين شبه، 1410، ج، ص 222)
ي مزرعه في عين السكر: إبن شيه مي نويسد: على في عين سكر نيز مزرعه اين موقفه دانت.
(423، 2، 1431 هـ)

از مكان جغرافيي إبن مزرعه و همجنين كيفيت و چگونگي و سراجان إلن موقفه در كتب
تاريخي اطلاعاتي به دست نامه.

ک. عقيقه الأكبر: معرف فرتن وادي مدينه، "وادي عقيق" است که گاه آب آن در برخی فصول
بسمع قراوان است و آب مزارع غرب مدينه به سمت جنوب را تأمین می‌کند. این وادي را "وادي
ميکرک" نیز می‌نامند: زیرا رسول خدا نسبت به آن عنايت و ویژه دانستند. باقیت حموي وادي
عقيق را به سه ناحیه: "صغير"، "کبير" و "أكبر" تقسیم نموده و "عقيق أكیر" را "بتر على معرفی
میکرک و مكان آن را در بخش ذی الحلقیه می‌دانند. (باوقوت حموی، 1399، ج 2، ص 139) سمهدیه نیز در
ذکر حدوود وادی عقيق به نقل از مطري یک حد وادی عقيق را بتر علیا معرفی به "خلقه" 
و یک حد دیگر آن را بتر علی در "ذی الحلقیه المحمود" معرفی نموده است. (سعودی، 1420، ج 3،
ص 40) با توجه به مجموعه این قراون، می‌توان گفت: جاهایی مزبور در همین مکانی که آکون
به "بتر على معرفی است و در چند مسجد شجره واقع است، حضرت مهدیه بود. بروخ تعداد
جاهای امام در این منطقه را 33 حلقه ذکر کرده است. (قاندنی، 1378، ج 2، ص 340) از سراجان این موقفه
در کتب تاریخی چنی ذکر نگرده است.

ل. جمحه: چربه‌ای بزرگ، بین راه مدنیه و مکه که میقات اهل شام و مصر است. جمحه در
روزگاران قدمی، "مشهیه" خوانده می‌شد و آن منطقه را بدان عنکه که از غاز غدری خم تا ساحل
دریای سرخ و سمت وادی، "مشهیه" خوانده و سپس "جمحه" نامیده شد: زیرا سیل جمحه آن
وادی را از بین بردا. جمحه به علم سابقه مهم تاریخی انش و به سبب موقعیت گی در راه حریری و
مسیر هجرت پیامبر اکرم ص فارغ قرائه و بدان سبک میقات حاجیان است، اهمیت خاصی
دارد. (باوقوت حموی، 1399، ج 3، ص 10) ابن شهرآشور این منطقه را جزء موقعیات عصر
علي ص می‌دانست. (ابن التهیه، 1420، ج 3، ص 115) از سراجان این موقفه در کتب تاریخی
چنی ذکر نگرده است.

م. سویعه (سوپیه): نام مکانی است نزدیک مدنیه و آیین، در آن جا سکونت دانستند و از
جمله موقعیات اهمیت مؤمنین علی ص بود. (باوقوت حموی، 1399، ج 3، ص 38)
بررسی و توضیح جایگاه موقعوافات امام علی(ع) ۲۴۴

این ابی الحدید در شرح نامه ۴۴ تهیه یا پیاده می‌نویسد: همگانی مدانند که علی – علیه السلام –
یا دست ریز خود و به تن خویش در «مدینه» و «سومعه»، آب‌های قراوئی استخراج و
زمنهای بسیاری را اجیا و آب‌نامه است و سپس آن‌ها را از تملک خود برخوردار کرده و به
عنوان صدیقه جاریه برای مسلمانان وقت نموده است.

این شهری آشوب نیز می‌نویسد: حضرت علی - علیه السلام - در این منطقه (سومعه) جاها و
جشه‌های موقعوافای دانش‌های است. وی در ادامه اضافه می‌کند که حضرت جام‌های دیگری نیز
داشته که حضرت وقت قرده استان.

ن: چه‌ها او در راه مکه: س. چاهی در مسجد نزد مسجد فتح؛ ع. چاهی در راه مسجد؛
ف. چاهی در کوفه؛ ص. چاهی در بصره؛ (الن: ۷۹۹، ج: ۳، ص: ۱۲۰) از سرمانج این
موقعات در کتب تاریخی جزئی ذکر نگردیده است.

۲. مساجد وقتی حضرت علی(ع)
از دیگر موقعوافات حضرت علی(ع) که این شهرآشوب در کتاب خود به آن‌ها اشاره نموده: مسجد
است. وی می‌نویسد: طبق گواهی تاریخ، مسجد نخستین وقتی بوده است که در فرهنگ اسلام
مطروح شده و از بود ورود پیامبر آدم(ص) به مسجد، صیغه وقت بر قطعه زمینی جاری شد که
بعدا در محل آن مسجدی بنا برده شد. در دوران حضرت علی(ع) نیز این سنت حسنی ادامه
بافت. حضرت علی او بر مشارکتی که در ساخت سایر مساجد مانند مسجد ال۵۰ م❤ داشتند، بیش از
شش باب مسجد نیز خود مستقل بنا کرده و وقت نموده که عبارتند از:
الف. مسجد الفتح: این مسجد در مسجد، در مکانی که علیاً پیامبر(ص) برای پیروزی مسلمانان در
جنگ خندق به اجابت رضی و افات شده است. (بناوت حمایی، ج: ۲۹۹، ص: ۱۲۰) از سرمانج این
موقعات در کتب تاریخی جزئی ذکر نگردیده است.

ب: مسجد الجامع الکبیر: از مکان دیق این مسجد و سرمانج وقت آن، اطلاع در دست نیست.
(تأسیس و تعمیر مسجد از نشانه‌های ایمان به خدا و آخر است و امیر مسلمانان(ص) مسجدی بها
کرده است که نام برخی از آنها در تواریخ اسلامی ضبط شده است. از آن جمله است: مسجد الفتح
در مسجد در کنار قبر حضرت مسجدی در میقات، مسجدی در کوفه، مسجدی در بصره).
(ارک. منابع، ج: ۳۳۳ / بخاری الیخار ج: ۳۱، ص: ۲۳)
ج. مسجدی در منطقه‌ای: این مسجد در مداوم قرب عصر، عموی بیغمیر
قرار گرفته است.
(مقدمه، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳) از سرائیناج این موقوفه در کتب تاریخی جزئی ذکر گردیده است.
د. مسجدی در میقات حج: از مکان دقیق این مسجد و سرائیناج وقف آن، اطلاعی در دست نیست.
(۱۳۸۶، ص ۱۱۵) از سرائیناج این موقوفه از مکان دقیق این مسجد و سرائیناج وقف آن، اطلاعی در دست نیست.
ه. مسجدی در کوفه: از مکان دقیق این مسجد و سرائیناج وقف آن، اطلاعی در دست نیست.
و. مسجدی در عیبادان: از مکان دقیق این مسجد و سرائیناج وقف آن، اطلاعی در دست نیست.
(۱۳۸۶، ص ۱۱۵)

۱. اماکن و خانه‌های موقوفه حضرت علی
الف. خانه‌ای در محله بین زریق: بکی از حالات وقف خاص امام، وقف خانه‌ای در میادینه در محله بین زریق خود است.
(مقدمه، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳) از امام صادق قل شده است که امیر المؤمنین علی حضرت علی در محله بین زریق داشت و
بدین صورت آن را وقف کرده‌است: «به نام خداوند بخشنده، به نام آنهیتی علی بن ابی طالب
آن را در حالی که زندگی و کامل بود، صدقه کرد و وقت نمود خانه خود راکه در بین زریق قرار
دارد، صدقه‌ای که فروخته نمی‌شود و هیچ نمی‌گردد تا خداوند که وارت آسانم و زمین است آن را
وارث شود. و در این خانه، خانه‌ها خود را سکونت داد مادری که خود با ولادت زنده می‌بندد
و وقتی مرگ آنها فرا رسید برای محتجزی از مسلمانان بانده، (حضر کام) ۱۴۰۹، ص ۱۸۷» از
سرائیناج این موقوفه در کتب تاریخی جزئی ذکر گردیده است.

انجیه‌گر کش اسامی موقوفات بود که در کتب تاریخی از آنها نام برده شده و شاد تعداد
موقوفات آن حضرت بیش از این‌ها بوده و اضافه و مدارک آنها در طول تاریخ و گذش زمان (عیادا
یا معنی) از بین رفته باشد. حتی موقوفاتی که حضرت به صراحت، نام آنها را در وقت نامه خود
آورده و صادقته وقف بر آنها جاری ساخته بود، در طول زمان و روی کار آمدن حکومت‌های
گوناگون، بارها از عرشا وقف خارج و جزو اموال شخصی آنان گردیده و متأسفسانه اکنون نیز
سرائیناج حقوقی از موقوفات آن حضرت مشخص نیست.

نکته حائز اهمیت در بررسی موقوفات حضرت، تأثیر موقوفات ایشان در تندیسازی و
پیشرفت و توسعه نظام اسلام است: نظامی که توزیع بیماری گرایی گامزدی‌زیری و در ستند
ایشان نمود پیدا کرده، و پس از ایشان در کلم و سیره انسان معصوم و بهب و اهد به سیره
حضرت علی ظهور و پروز یافت.
حماسه قول‌العوائد امیرالمؤمنین به سنت وقف، با توجه به درایت و حکم‌های بنی‌یزدی ایشان،
حاکی از اهمیت این سنت در مکتب اقتصادی اسلام است و با توجه به این رویکرد امام علی،
شباهت‌های این سنت به وقف به عنوان یک بهدار مؤثر اقتصادی نوع جدید شود و یزدیگی عمده وقف این است
که کارکرد‌های اقتصادی آن تا حد زیادی منفی‌تر از کارکرد‌های دو بخش مرسم اقتصاد، بسیار
بخش خصوصی و دولتی است؛ زیرا وقف به لحاظ ارتباط مالی مصرف آن با تأمین نیازهای
دولت، مشابه نیازهای بخش دولتی است؛ ولی از این نظر که منابع مالی و مادی‌تری از اصلی‌ترین به
عده بخش خصوصی است، همانند نیازهای بخش خصوصی است. از این رو، در اقتصاد جدید،
این‌گونه غیره به عنوان بخش سوم اقتصاد شناخته می‌شود.

سنت حسنی وقف در مکتب اقتصادی اسلام، دارای امتیازات و وزیت‌های است؛ زیرا اولاً در
جامعه اسلامی به سبب وجود انگردهای معنی‌دار و ایمان به جهان آخیر، زمینه‌سازی برای
تنبیه این رفتارها وجود دارد. ثانیاً، این سنت حسنی علاوه بر اینکه اگرگز نیرومند و مقدّس‌سی را
برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به وجوه می‌آورد، مهم‌ترین هدف اقتصادی اسلامی، یعنی
توسعه عادل‌تری روت و درآمد و نیز محقق مسارد. ثالثاً وقف و اهداف اقتصادی مناسبی برای
تحقیق مردم سالاری بدنی ایست و انتقاد می‌روید با تقویت این نهادهای بسیاری از هرگونه‌های دولتی
توسط خورد مردم نام‌گرد و زمینه‌های حضور دولت در اقتصاد به حداقل مقدار آن کاهش
باید. با وجود این اطمینان از کارکرد این نهاد، در شرایط اقتصاد جدید، بررسی‌های فقهی و
کارشناسی تازه‌ای را می‌پذیرد.

جمع‌بندی و توجیه‌گیری

۱. نهاد وقف به لغات و واژگان متداول از دریاز، حسنی به اشکال گوناگون و وجود داشته است و مردم از دریاز با این امر خبر و انسان‌دوستانه
آشنا در انتخاب و با ظهور اسلام و ترویج تعالیم و دستورات این دین می‌پیند بر انجام اعمال
خیرخوانیه و تخلیه‌سازی در جهت تأمین نیازهای مردم و به دنبال آن با تأکید‌های پیامبر
برگ اسلام حضرت محمد صلی الله بر او و امتنع‌التعصیف و انتها محروم و کل و سیره و سنت ایشان، این
سنت حسنی به صورت بارز، مورد استقبال مردم، به ویژه مسلمانان، قرار گرفت. پیامبر آکرم صلی الله و
اهل بیت مکرم ایشان صلی الله نزد در زمان حیات گهر، خویش به سبب آینده‌گری و تآمین منافع و
مصالح المسلمين به طور علماً، ستة نيكوى وقف را به دیگران آموش و خود نیز، هم
در کلام و هم در سیره عمل، مرور این فرهنگ و ستون حسنی بودند. در میان انسی مخصوصاً،
بیش از همه حضرت علی رضی، هم برای ملاقات و کشت و زرع به دست آمده بودند. در راه خدا و وقف نموندند، تا این صدفة
جاربی همیشه شرایط حضرت بالی بمانند. بر اساس استادان موجود و از اصول خوش و کوش شرایط اسلام و کمک به محرور و نیازمندان می‌شده است.

اهتمام فوق العاده امر المؤمنین علی رضی به ستون وقف، حاکی از اهمیت این ستون در مکتب
اقتصادی اسلام است و با توجه به این رویکرد امام علی رضی مشتاق است که به وقف به عنوان یک
نهاد مؤثر اقتصادی توجه شود. با در نظر گرفتن این نکته بسیار مهم، که حضرت علی رضی با توجه به
نیاز جامعه اسلامی زمان خود و شرایط جغرافیایی قلمرو و اسلامی صدر اسلام، با حضرت چاگ و
احتفالات نخلستان و وقف آنها برای تأمین نبای جامعه اسلامی اقدام نمودند. تعامل مسلمانان
و حیران را به این مهم رهنمون شدنانه که مناسب با نبای روز جامعه، دارای یافتن خود و وقف
کنند.

امید است مردم جامعه اسلام ما با تمسک به ستون و سیره بی‌پایا گرامی اسلام و انسی
اظهار به ویژه حضرت علی رضی در انجام ستون حسنی وقف یا امر انسان دوستانه و
خداوستاداهان علاوه بر احیای ستون رسول الله و انسی اطراف، گام مؤثری در راه رشد و کوشش
فرهنگ اسلامی و در پرتو آن، هموار کردن راه های توسعه اقتصادی و برقراری عدالت اجتماعی
بردارند. انشاالله.
فهرست منابع
1. ابن أبي أحمد، عبدالحميد بن محمد، شرح نهج البلاغة، تحقيق محمد إبراهيم، ط. الثاني، بيروت، دار أحياء التراث، 1387.
2. ابن فهد، عبدالمجيد بن عبد الله، تاريخ المدينة المنورة، تحقيق محمد سحوي، بيروت، دار النهوض، 1410.
3. ابنه، عبدالرحمن بن عبد الله، شرح نهج البلاغة، تحقيق محمد سحوي، بيروت، دار النهوض، 1410.
4. ابن شهاب، زيد بن عبد الرحمن بن عبد الله، المنافع لأبي طالب (المنافع لأبي طالب نهضه أبو طالب)، ط. الثاني، مطبعة المنهج، 1404.
5. ابن مازن، عبد الرحمن بن محمد، مناقب على أبي طالب، ط. الثاني، مطبعة الشام، 1404.
6. عبدالمجيد بن محمد، شرح نهج البلاغة، ط. الثاني، مطبعة المنهج، 1404. (مصدر: مكتبة الإسلام.
7. بحران، كمال الدين ميني بن عانشة، مسند، في: متن تزكية تعلقات الإسلام، 1362.
8. الدين، محمد، مسند، في: مسند، متن تزكية تعلقات الإسلام، 1362. (مصدر: مكتبة الإسلام.
9. حجر، عبد الله، حجر، في: مسند، متن تزكية تعلقات الإسلام، 1362.
11. شرفي، خالد، صدر، في: مسند، متن تزكية تعلقات الإسلام، 1362. (مصدر: مكتبة الإسلام.
12. شرفي، خالد، صدر، في: مسند، متن تزكية تعلقات الإسلام، 1362. (مصدر: مكتبة الإسلام.
13. شرفي، خالد، صدر، في: مسند، متن تزكية تعلقات الإسلام، 1362. (مصدر: مكتبة الإسلام.
15. شرفي، خالد، صدر، في: مسند، متن تزكية تعلقات الإسلام، 1362. (مصدر: مكتبة الإسلام.
16. شرفي، خالد، صدر، في: مسند، متن تزكية تعلقات الإسلام، 1362. (مصدر: مكتبة الإسلامي.
17. شرفي، خالد، صدر، في: مسند، متن تزكية تعلقات الإسلام، 1362. (مصدر: مكتبة الإسلامي.
18. شرفي، خالد، صدر، في: مسند، متن تزكية تعلقات الإسلام، 1362. (مصدر: مكتبة الإسلامي.
268

 almâyÊ, qawwal bi-niṣṣalát, niṣṣalát, 878, 878, 878, 878,

260 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

261 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

262 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

263 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

264 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

265 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

266 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

267 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

268 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

269 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

270 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

271 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

272 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

273 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

274 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

275 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

276 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

277 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

278 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

279 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

280 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

281 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

282 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.

283 إلَّا نَعْمَةُ خُلْقِهِ. ۱۳۲۸.